

صحيفة الحسين عليه السلام

[356] بر گرد حریم تو دست طلب ماست گر عشق تو در فلب بشر خانه بگیرد * گنجی است، که جا در دل ویرانه بگیرد در منزل اجلال تو، در حال خبردار * جبریل امین، پرده آن خانه بگیرد بر گرد حریم تو، که دست طلب ماست * چون دامن شمعی است، که پروانه بگیرد از لشکر شیطان، دگر این دل نهراسد * گر قلب مرا عشق تو جانانه بگیرد مستانه بکوبد به سر هر دو جهان پای * از دست تو هر شخص که پیمانه بگیرد جز رشته انس تو دگر سلسله ای نیست * تا اینکه قرار این دل دیوانه بگیرد عشق تو ز هر کس که خریدار غم توست * اول، دل او بابت بیعانه بگیرد دیگر به عطای دگران نیست نیازش * هر کس که ز تو مزد کریمانه بگیرد نگذاشت فداکاری تو سنگر دین را * با زور وستم زاده مرجانه بگیرد
